

دیوانه حافظ

افشار جابری و حافظ شیرازی

«مگو دیگر که حافظ نکته‌دان است»
نمکدان بی نمک شوری ندارد



مجموع پوشاک ترک قاچاق به بازار ایران
ما برای اونا آدم می فرستیم اونا برای ما لباس!



در صنعت خودروسازی نهادهای نظارتی کجای کارند؟
سرکار!



مقصران بازنشندن کیسه‌های هوا
مردم هستن که این آپشن رو نخیرین



بهمن، راه شمال را بایست
اسفند مدیریت بحران راه رویا می‌کنه.



برف‌شادی
یک هم یا من، حالا تولد کی هست؟

شوخ‌باختی با تیتیر روزنامه‌ها

حکایت

واژه‌نامه آلوده



سحر فتنی

در اینجا قصد داریم ثابت کنیم کلمات، همواره معنی همیشگی خود را نمی‌دهند، بلکه گاهی معنایی خارج از تصور ما و حتی واژه‌نامه‌ها دارند. برای اینکه این مورد را بیشتر ثابت کنیم در حوزه آلودگی هوا چند واژه مرتبط را طوری معنی می‌کنیم که چاره‌ای جز پذیرفتن آن نداشته باشیم.

آلودگی هوا: تعطیلی مدارس مقطع ابتدایی شیفت صبح، همه مناطق بجز فیروزکوه و دماوند. ذرات معلق در هوا: ماده‌ای که باد هم تکانش نمی‌دهد. **گاز گلخانه‌ای:** همان مورد بالایی ولی از نوع گلخانه‌ای. **سوراخ لایه‌ازن:** سوراخی شبیه سوراخ جیب مردم. **دستگاه تنفس انسان:** دستگاهی در بدن انسان که تغییر کاربری داده و در هر شرایطی به حیات خود ادامه می‌دهد.

اتمسفر: ترکیبی از ما و آلاینده‌ها که به همزیستی مسالمت آمیزی رسیده‌ایم. **وزش باد:** انواع مختلفی دارد اعم از انسانی و طبیعی، در حال حاضر کارسازترین راه‌حل آلودگی هوا است.

سازمان جهانی بهداشت: سازمانی جهانی که حداقل اگر مشکل آلودگی را حل نکند، ابراز نگرانی می‌کند. **شاخص کیفیت هوا:** میزان نگرانی سازمان جهانی، نسبت به آلودگی هوا را بالا و پایین می‌کند. **ترافیک:** علاقه مردم به مرکز شهر باعث ایجاد آن می‌گردد. **هوا پاک:** تصویری از آسمان آبی که شما و شخص مورد نظر زیر آن نشسته‌اید و هر بار چند تکه ابر سفید از بالای سرتان می‌گذرد و شما همان‌طور که در دستتان را از ته کتف کشیده‌اید طوری که رنگ گردنتان می‌خواهد بگیرد و با انگشت اشاره توجه همان شخص مورد نظر را به سوی آن جلب می‌کنید، شکل آن را حدس می‌زنید و می‌خندید! بله همینقدر رؤیایی و دست‌نیافتنی!

به مناسبت ۴ بهمن، روز جهانی تقدیر و تشکر

تشکرات ویژه یک شهروند عادی



علیرضا عبدی

در روز جهانی تعریف و تمجید و تشکر و قدردانی و هر چه هست، بنده به‌عنوان یک شهروند، خود را ملزم می‌دانم از زحمت‌کش‌ان چند عرصه تشکر کنم:

۱ تشکر ویژه و فراوان دارم از خردنگاران ضایعات، ممنونم که هر روز در گرما و سرما، تابستان و زمستان، روزهای تعطیل و غیرتعطیل در خیابان و کوچه‌های بن بست و... ساعت ۶ صبح نگران آهن‌الات، آهن ضایعات، آلومین (!)، مفرغ و... ما هستید. مرسی که هستید!

۲ تشکرات بسیار ویژه دارم از لوله‌بازکنی‌ها و تخلیه‌چاه‌ها. هر جایی که فکر می‌کردیم بگر است، با تبلیغات شما فهمیدیم که خیر، این

کشور، طبیعت‌گرد کم ندارد! باز هم ممنونم که ما را با برچسب‌های خودتان مشهور کرده‌اید، از پس روی در خانه‌مان برچسب‌های شما هست، گاهی از ۱۱۸ تماس می‌گیرند تا شماره لوله‌بازکنی و تخلیه‌چاه از ما بگیرند.

۳ تشکر ارزنده و عالی دارم از جناب آلودگی هوا. البته از آلوده‌کنندگان هوا باید بیشتر تشکر کنم. همین که هر روز این قدر هوا پاک نیست تا برج‌های بلند را ببینیم و دهانمان آب بیفتد، باید قدردان زحمت شما بود.

۴ قدردانی آخر هم برای اینترنت است و کوسه‌هایی که فیبرهای اینترنت را هر روز گاز می‌گیرند. (خدا قوت به دندان‌هایتان).

۵ همین که صدای استاد قطع و وصل می‌شود و در عین گرم‌ماندن پتویمان می‌خواهیم، باید از شما تشکر کرد.

هوای بی‌مدیر



مرضیه ربیعی

سال‌های گذشته این‌گونه بود که حداقل دانش‌آموزان در فصل پاییز از آلودگی هوا خیلی هم ناراضی نبودند! بالاخره حداقل یک هفته تعطیلی و بخور و بخواب را برایشان به همراه داشت. اما کرونا حتی بساط این چند روز بدون دغدغه درس و معلم را هم گرفت. آموزش مجازی که آمد، دیگر فرقی نکرد که مدرسه به‌خاطر کرونا تعطیل شود یا آلودگی هوا! در هر دو صورت دانش‌آموز ساعی ما باید با چشمان نیمه‌باز، سر کلاس درس حاضری رازده و دوباره پتو را روی سرش بگذارد. اینجا بود که بالاخره ماهم به فکر اقدامیم که راهکارهایی برای حل معضل آلودگی هوا را بررسی کنیم. البته این راهکارها، بیشتر آبکی است، چرا که خلاف تصور شما فقط آلاینده‌ها باعث آلودگی نیستند و تغییر اقلیم در کشور و کاهش بارندگی هم خیلی سوسکی، تأثیر بسیاری بر آلودگی هوا گذاشته است. در این زمینه چند راهکار ارائه می‌شود:

۱ حدود سی درصد از آب پشت سدها یا بحران بیکاری روبه‌رو بوده و بسیاری از نخبگان آبی با پدیده تبخیر مغزه‌ها، به آسمان مهاجرت می‌کنند. پس تلاش شود که لاقل این آب برای غافلگیری منابع آب سطحی، تالاب‌ها، رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی که الان خشک شده‌اند، به کار گرفته شود.

۲ آی بسوزه ریشه این سیاست بی‌والدین که حتی در آلودگی هوا هم تأثیر شگرفی دارد! همان‌طور که سازمان محیط‌زیست فقط مسئول اتوپان تهران شمال نیست، وزارت امور خارجه هم فقط برای برجام و سفر خارج رفتن نیست! پس معاونت دیپلماسی آن تلاش می‌کند که بتواند حقایق ایران از آب‌های مرزی کشورهای مثل افغانستان، عراق، ترکیه، سوریه و دیگر کشورهای همسایه را گرفته تا برای ما هم آب یا نانی داشته باشد.

۳ طبیعت زیان‌ناز دارد! اولی اگر داشت حتماً تلاش می‌کرد که داماد یکی از مسئولان شده و حقایق خود از منابع سطحی را بگیرد. اگر کسی هم به او اعتراض کند، یا خیال راحت می‌گوید که سمش را از سفره آبی کشور برداشته است. پس دریچه سدها را باز کنیم تا طراوت و سرسبزی به طبیعت برگشته و محیط زیست هم بگوید: آخیش. در این صورت درجه حرارت هم فیتله را پایین کشیده و بارندگی بیش از اینها می‌شود. اگر خدا بخواد...



سوکند مرحوم بقراط، زیر چرخ عقب!



بهزاد توفیق فر

حالا که دستگاه کارتخوان خیلی از دکترها کارتکش‌اش مسدود است و مالیاتی‌ها می‌دوند؛ از طرفی دارند زور می‌آورند تا ظرفیت پذیرش رشته‌های پزشکی افزایش یابد، توجه زورآوردگان مذکور را به این نکته جلب می‌کنم که همین الان هم اغلب دانشجویان رشته‌های پزشکی، از شهرهای دور و بعضاً محروم به دانشگاه‌های بزرگ و معتبر راه پیدا می‌کنند و اینکه بایبید ظرفیت پذیرش دانشجو را زیاد کنید و حتی بومی‌گزینی هم کنید، لزوماً باعث نمی‌شود که سیل پزشکان متعهد به شهرستان‌ها و نقاط دور دست کشور جاری شود، بلکه برعکس!

پزشکان متعهد به شهرستان‌ها و نقاط دور دست کشور جاری شود، بلکه برعکس! عرض می‌کنم، اولاً برای تربیت دانشجوی پزشکی، فقط استاد و وایت برد و از این صندلی دسته‌دارها کفایت نمی‌کند. گیرم که شما به جای دورنگ ماژیک وایت برد، سه رنگ گذاشتید، باز هم چیزهای مهمتری لازم است، مثلاً این دانشجویها نیاز به مریض دارند، یعنی باید بیمارستان و مریض مورد نظر هم باشد تا دوره‌های کارورزی خودشان را که کوتاه هم نیست، بگذرانند. از آن طرف دانشگاه که تبدیل شد به دکتر، می‌فرستیدش برود یک جای دوری تا تعهدهش را به جای آورد و حواستان هست که حتماً حقوق و مزایایش از کارگر وردست گچکار در فلان بندر، کمتر باشد و حتماً سالی دوبار توی برف یا گل (به کسر گاف) گیر کند.

خب! دکتری که فقط با نمره شیمی و زیست‌شناسی و بدون توجه به جوانب فرهنگی و اخلاقی، پذیرش شده و در فلان شهر بزرگ با همه امکانات فیزیکی و غیرفیزیکی و حتی مزایای بصری (۱) دکتر شده است و یادگرفته چطور کارتکش‌اش را از حیز ارتفاع ساقط کند، همان اولین بار که ماشین کهنه علوم پزشکی توی برف بکسوات کرد، نسخه تذهیب‌کاری شده سوکند مرحوم بقراط را می‌گذارد زیر چرخ عقب و گازش را می‌گیرد تا خود خود گیشا یا آریاشهر یا...!



سوال و جواب‌های کاربردی

خاک رس



محمدحسین صادقی

سوال: توپالادیوم بوتیک گرفتم، چیکار کنم بتونم اجاره‌ام رو دربیارم؟
جواب: باید جنس بزاری توش. متأسفانه مردم کمتر هوا می‌خرن.

سوال: توی شهرک اکباتان سوپری دارم ولی هیچی نمی‌تونم بفروشم. چیکار کنم؟
جواب: اون تابلو «ایستادن بیجا مانع کسب است» یا فونت نستعلیق رو بردار. شاید توی فروشت تأثیری نذاره ولی مطمئن می‌شی وقتی اونجا فروش نداری کلا این‌کاره نیستی.

سوال: میوه فروشم، دلم به خرم نمی‌خورم. چه خاکی به سر کنم؟
جواب: خاک رس! یه کم لامپ‌ها رو کمتر کنی و سعی نکنی بودجه اداره برق رو تأمین کنی مشکل حل می‌شه.

سوال: کتاب فروشی چرا اینقدر سودش کمه؟
جواب: چون الان سود توی فروش لوازم التحریر و خنزرپنزر و اکسسوریه. با اهداف فرهنگی هم سازگاری داره.

سوال: به کسی که فروشگاه زنجیره‌ای داره ولی از خرید مردم راضی نیست چی باید گفت؟
جواب: النجات فی الصدق! اگر قیمت قسه‌ها و دستگاه فروش رو یکی کنه شاید مردم بیشتر ازش خرید کنن.

تنهایی



نازنین اسماعیل زاده



فال روز

میخواره و سرگشته و رندیم و نظریاز وان کس که چو ما نیست در این شهر کدام است

ای صاحب فال!



فرزانه زینلی

از قدیم‌ها که هنوز ما نبودیم گفته‌اند «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو»، شما هم خوب این توصیه را درونی کردی و از هیچ تلاشی برای هم‌رنگ شدن فروگذار نمی‌کنی. آخر صاحب فال حساسی! هم‌رنگی با جماعت به چه قیمتی؟! اینکه کل مال و منال را بفروشی و بریزی توی سبد سهام هم شد اتحاد و همبستگی؟ باز خوب شد از تحریم خرید روغن و باقی مواد غذایی گذشتید، وگرنه با این اوضاع گرانی هر روزه، چی می‌ماند که بخرید و زنده بمانید؟ قبل از هر همراهی و هم‌رنگی خوب فکر کن. آدم‌های موفق خوب فکر می‌کنند و راز موفقیت‌شان هم همین است. حالا فهمیدی آن کس که چو ما نیست در این شهر کجاست؟ فکر اقتصادی را به کار انداخته و وقتی شما درگیر هم‌رنگی بودی، انبارها را پر از روغن و برنج کرده. فکر را بکار ببند از صاحب فال!

دانشتنی‌های قبل از ازدواج



محمد رضا رضایی

آیا می‌دانید حتماً لازم نیست خواستگارتان ثروت ایلان ماسک را داشته باشد تا به وی جواب مثبت دهید، بلکه نامبرده می‌تواند با کمک شما آسه آسه به پول و ثروت برسد و بعد دو نفری کیفش را ببرید؟

آیا می‌دانید چشم رنگی و موی بور و پوست سفید برای یک خواستگار جزو اولویتهای هزارم به بعد است و اگر خواستگارتان پسر خوبی باشد، لازم نیست حتماً شبیه تام کرام باشد؟

آیا می‌دانید عبارت «مهریه رو کی داده، کی گرفته؟» توسط مافیای مخوف و مخفی ابداع شده تا قیمت سکه در مملکت هیچ‌وقت کاهش نیابد و شما نیز هر جا این جمله را شنیدید باید فرار کنید؟

آیا می‌دانید کسی که عبارت «هنوز دهنش بوی شیر می‌ده» را ابداع کرد، از نوعی اختلال روانی مزمن رنج می‌برد و ارزش این عبارت از کشک نساییده هم کمتر بوده و ازدواج به سن و سال نیست؟

آیا می‌دانید دوسوم کلیه‌فروشان کشور را جوانانی تشکیل می‌دهند که مادرزن‌هایشان از آنها یک جشن عروسی مجلل خواسته تا چشم‌جاری‌اش از حسودی بترکد که متأسفانه نمی‌ترکد لامصب؟

آیا می‌دانید دانشمندان به تازگی زوجی را کشف کرده‌اند که زندگی‌شان را بدون پنچال سایدبای‌ساید و تلویزیون هوشمند هشتاد اینچ شروع کردند و تا آخر عمر خوشبخت بودند؟

